

عالیجناب سرخ پوش

اکبر گنجی

آقای هاشمی رفسنجانی و بیت محترمشان تصویری پارادوکسیکال از ایشان به تصویر می کشند. یک سر طیف قدرتمندترین چهره‌های سیاسی را به تصویر می کشد اما سر دیگر طیف یک مرد دست چنم را به نمایش می گذارد (۱). او عالیجناب سرخ پوشی است که عالیجنابان خاکستری او را محاصره کرده اند. نکات زیر شاید تصویر واقعی تری از <عالیجناب سرخ پوش> عرضه کند (۲).

۱- خواندن جملات ذیل از آقای هاشمی رفسنجانی چه احساسی در خواننده ایجاد می کند، و او را وادار به چه قضاوتی می نماید...

- در دوره مسولیت اینجناب وزارت اطلاعات تمیزترین دوره را داشته است - من درباره فرج سرکوهی از وزارت اطلاعات توضیح خواستم. یک نامه‌ای به من نشان دادند که نشان می داد او به اختیار خودش در آلمان است... من نامه را دیدم. اینکه دروغ گفته‌اند یا راست باید رسیدگی شود که وی در آن زمان آلمان بوده یا نه، - وزارت اطلاعات در دوره‌ای من خیلی تصفیه شد. از خیلی چیزها پاک شد.

- میزان محبوبیت من یک روال طبیعی دارد و آخرین آن در انتخابات خبرگان بیش از ۶۰ درصد بود. - شناختی که از من هست این است که نوعاً با حرکت های افراطی مخالفم. پیش از پیروزی انقلاب هم افرادی که می خواستند افراطی حرکت کنند با من مخالفت می کردند. اعتدال پایه‌ای سلامت و بقا و استحکام حرکت می باشد.

- در اولین ملاقاتی هم که با سران خط امامی‌ها داشتم گفتم مردم رأی به اعتدال دادند؛ رأی به افراط ندادند. شماها سعی نکنید که آقای خاتمی را به طرف خلاف اعتدال بکشید.

- من دو یا سه روز قبل از دادگاه به ایشان (عبدالله نوری) چه گفتم، اگر به آنچه من تدبیر کردم عمل می شد این اتفاق نمی افتاد.

- در مورد علاقه آقای خاتمی برای شرکت من در مجلس اصلاً مذاکره من با ایشان در این باره بود که به من کمک کنند تا من به مجلس نیایم. به ایشان گفتم تغییر تصمیم برای من بسیار مشکل است و شما کمک کنید من به مجلس نیایم. اما ایشان گفتند که بودن تو در مجلس دولت را تقویت می کند و تعادل مجلس در شرایط فعلی مهم است. (۳)

- بعد از فتح خرمشهر من مسوول جنگ نبودم. نماینده‌ای امام در شورای عالی دفاع بودم. تنها مسأله‌ای که آن موقع پیش آمد این بود که امام فرمودند که ما موافق نیستیم که نیروهای ما وارد خاک عراق شوند ولی اصل جنگ را امام اصلاً اجازه نمی دادند که کسی با ایشان بحث کند که جنگ متوقف شود یا آتش بس شود. خوب شما یا حرف های امام را فراموش کرده‌اید و یا اینکه بعضی از آقایان آن را ندیده می گیرند.

امام حتی یک لحظه به کسی اجازه ندادند که با ایشان بحث کند که جنگ متوقف شود...
بالاخره امام پذیرفتند که اگر وارد خاک عراق می‌شوید به آنجایی وارد شوید که مردم
نباشند و یا کم باشند (۴).

- اگر آن بازداشت‌ها [بازداشت ۲۳ تن از اعضای نهضت آزادی و مهندس سحابی] مربوط
به آن نامه باشد خطاست و باید رسیدگی می‌کردم. ولی اگر مربوط به آن نبوده و آنان
پرونده‌های دیگری داشته باشند پرونده باید سیر قانونی را طی می‌کرد. من هم یادم نیست
که آن موقع به چه دلایلی آنها را گرفته بودند (۵).

۲- جنگ: آقای هاشمی رفسنجانی مسوولیت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را به عهده امام
می‌گذارند در حالی که به گفته مرحوم حاج سید احمد خمینی امام مخالف ادامه جنگ بود:
> در مقابل مسائل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود اما بالاخره
مسوولان جنگ گفتند که ما باید تا کنار شط‌العرب (اروند رود) برویم تا بتوانیم غرامت
خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلاً" با این کار موافق نبودند و می‌گفتند اگر بناست که
شما جنگ را ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید ادامه یابد و
شما موفق نشوید دیگر این جنگ تمام نشدنی است و باید این جنگ را تا نقطه‌أ خاصی
ادامه بدهیم. الان که قضیه فتح خرمشهر پیش آمده بهترین موقع برای پایان جنگ است <
(۶). از طرف دیگر آقای هاشمی در خاطرات سال ۶۰ خود می‌نویسد: > امام ضمن اینکه
مایلند جنگ زودتر تمام شود صلاح نمی‌دانند که ما کوتاه بیایم. < (۷). آقای هاشمی
حتماً" به یاد دارند که در خاطرات روز ۱۳۶۰/۱۲/۱۵ خود می‌نویسند: > وابسته نظامی
ایتالیا گفته: کشورهای نفت‌خیز منطقه مایلند شصت میلیارد دلار خسارات جنگ را
از طرف صدام به ایران بدهند و ایران از شرط سوم که کیفر صدام است منصرف شود.<

۳- بازداشت ۲۳ تن: نود تن از چهره‌های ملی- مذهبی در اردیبهشت سال ۱۳۶۹ طی
نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی به سیاست‌های دولت ایشان اعتراض کردند. در
خرداد ۶۹ با حکم دادستان انقلاب ۲۳ تن از امضاکنندگان نامه بازداشت و روانه
زندان شدند (برادر حسین سربازجوی کلیه بازداشت‌شدگان بود). آقای هاشمی رفسنجانی
در همان زمان در مصاحبه با خبرنگار لوموند اعلام کرد: > لیبرال‌هایی که اخیراً" دستگیر
شده‌اند کسانی بوده‌اند که ماهیت جاسوسی پیدا کرده‌اند و از آمریکا دستور می‌گرفته‌اند <
(۸). اما عالیجناب سرخ‌پوش اطلاع نداشت که کیفرخواست دادستانی انقلاب اتهام اصلی
تمامی بازداشت‌شدگان را امضا و تأییدنامه سرگشاده‌أ ۹۰ تن ذکر کرده بود.

آیا مجازات یک نامه سرگشاده انتقادی به آقای هاشمی رفسنجانی شش ماه سلول
انفرادی و اقرانویسی به سبک برادر حسین است، آقای هاشمی حتماً" به یاد می‌آورند
که وقتی برای طرح بودجه به مجلس رفتند دو تن از اعضای کمیسیون بودجه از
ایشان پرسیدند ما به بازداشت بقیه کاری نداریم ولی چرا مهندس سحابی را بازداشت
کردید، در پاسخ فرمودند: رویش زیاد شده بود گفتم بگیرند رویش را کم کنند.

۴- قتل‌های زنجیره‌ای: آقای هاشمی می‌فرمایند: > در دوره‌أ مسوولیت اینجانب وزارت اطلاعات

تمیزترین دوره را داشته است... وزارت اطلاعات در دوره‌أ من خیلی تصفیه شد از خیلی چیزها پاک شد.

این مدعا به هیچ وجه با واقعیت انطباق ندارد. در دوران هشت ساله صدارت آقای هاشمی حدود هشتاد تن به وسیله محفل‌های مشکوک و به علل سیاسی به قتل رسیده‌اند که معروف‌ترین آنها قتل سعیدی سیرجانی مهندس برازنده و... بودند. از طرف دیگر حادثه ربودن فرج سرکوهی و به دره انداختن اتوبوس حامل نویسندگان در همان دوره روی داد. بازداشت ۲۳ تن از نیروهای ملی- مذهبی مهندس علی صالح‌آبادی مهندس عباس عبدی و... در **تمیزترین دوره وزارت اطلاعات** روی داد. **صدها عملیات موفق برون مرزی سعید امامی** به گفته روح‌الله حسینیان در دوران سازندگی به وقوع پیوست. برنامه هویت توسط سعید امامی ساخته و توسط سیما پخش شد. اینها برخی از زوایای روشن‌شده‌أ عملیاتی است که به وسیله عالیجنابان خاکستری هدایت و تصویب می‌شد.

وقتی بحث بدین جا می‌کشد بیت فعال آقای هاشمی تصویر **عالیجناب سرخ‌پوش** را به نمایش می‌گذارند. می‌گویند با فشار راست هاشمی مجبور شد آقایان خاتمی عبدالله نوری مصطفی معین را کنار گذارده و آقایان میرسلیم بشارتی و هاشمی گلپایگانی را به جای آنها بگمارد. فرهنگ و سیاست حیات خلوت جناح راست بود نه تحت کنترل هاشمی رفسنجانی. این مدعا شاید درباره آن سه وزارتخانه پذیرفته گردد اما درباره وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات پذیرفتنی نیست. آقایان ولایتی و علی فلاحیان از ابتدای شروع به کار کابینه هاشمی با معرفی وی به عضویت کابینه درآمدند. آقای هاشمی در روز رأی اعتماد مجلس به کابینه در پنجم شهریور ۱۳۶۸ گفت: **حبا مجموعه‌أ بررسی‌هایی که کردیم مناسب‌ترین فرد به‌نظرمان آقای فلاحیان آمد. اولاً** به‌خاطر سوابق طولانی اطلاعاتی ایشان که تقریباً بعد از انقلاب تا امروز یک سره در این کار مسوولیت داشته‌اند و در جاهای مختلف به‌گونه‌های مختلف با مسائل امنیتی نیازهای کشورها تهدیدها و نیروهایی که دارند کار می‌کنند آشنایی کامل دارند و شاید یکی از ارکان این وزارت در گذشته هم یعنی مهم‌ترین رکن ایشان بودند از لحاظ صلاحیت شخصی بنده خودم ایشان را خوب می‌شناسم از دوران طلبگی تا به امروز علاقه‌ای که ایشان به انقلاب دارد و حاضر است جان بدهد برای اینکه تهدیدها را از اسلام دور بکند برای ما روشن است و مخصوصاً این اواخر من ایشان را مسوول بازرسی ویژه فرماندهی کل قوا کرده بودم که کارکردن ایشان برای من بسیار جالب بود یعنی جزو زیباترین کارهایی که ارائه می‌شد در حوزه‌های ما کارهای ایشان بود. (۹)

به گفته روح‌الله حسینیان سعید امامی بر این عقیده بود که **مخالفین جمهوری اسلامی** باید از دم تیغ گذرانده شوند و در این زمینه‌ها تجربه داشت و به گفته آقای هاشمی رفسنجانی علی فلاحیان حاضر است جان بدهد برای اینکه تهدیدها را دور بکند. وقتی ایندو در دوره‌أ عالیجناب سرخ‌پوش دست در دست یکدیگر نهادند **تمیزترین دوره‌أ وزارت اطلاعات** شکل گرفت.

در پایان دوره چهارساله اول ریاست جمهوری آقای خاتمی و در آغاز دوره دوم آقای ری شهری درباره عملکرد علی فلاحیان با هاشمی رفسنجانی سخن گفت ولی او اهمیتی به نکات مطرح شده نداد و دوباره علی فلاحیان را به عنوان وزیر به مجلس معرفی کرد تا با همکاری سعید امامی به اقدامات پیشین ادامه دهد (۱۰). اما اینک می‌گوید:

درباره باندهای سعید امامی در دوران من برای ما مشخص شد که با سیاست‌های جاری کشور از جمله تشنج‌زدایی آنها مخالف هستند. این‌ها موشک بردند به یک کشور خارجی و آنها پیدا کردند. از داخل وزارت اطلاعات قضیه را پیگیری کردیم ثابت شد. رهبری و من به وزارت اطلاعات گفتیم که این‌ها باید کیفر ببینند. دادگاه اداری برای آنها تشکیل بدهند و به حکم دادگاه همین سعید امامی را از معاونت خلع کردند و گویا پست مشاورت دادند. چون دادگاه تشکیل شده بود و رسیدگی کرده بود طبعاً لازم نبود و نخواهیم به جزئیات امور دخالت کنیم. همین‌ها در زمان ما به خاطر همین بی‌انضباطی‌ها محاکمه شدند (۱۱).

آقای هاشمی رفسنجانی حتماً به یاد می‌آورند که در یک مورد مشخص که پای منافع خصوصی ایشان در میان بود یک معاون روحانی وزارت اطلاعات را با قدرت تمام در عرض ۲۴ ساعت از کار برکنار کردند (۱۲). اما «بی‌انضباطی‌های» (بخوانید ده‌ها فقره قتل جنایت و ارسال موشک به خارج و...) سعید امامی را به دادگاه اداری وزارت اطلاعات ارجاع دادند تا او به سطح مشاور وزیر تنزل یابد. پرسش آن است که آیا ارسال موشک به بلژیک و کشف محموله در کشتی حامل خیارشور توسط پلیس آن کشور امنیت ملی ما را به مخاطره نمی‌افکند، آیا صدها عملیات خارجی موفق سعید امامی با سیاست «تشنج‌زدایی» تعارض نداشت، دادگاه میکونوس چه پیامدهایی برای ایران به دنبال داشت، چگونه است که وقتی پای مسائل خانوادگی در میان باشد یک معاون وزیر در عرض ۲۴ ساعت برکنار می‌گردد ولی وقتی پای منافع ملی و امنیت ملی ایران زمین در میان است مسأله «بی‌انضباطی» قلمداد می‌گردد و توسط دادگاه اداری دنبال می‌شود تا در نهایت فرد بی‌انضباط به سطح مشاور وزیر اطلاعات تقلیل پیدا کند، اما همچنان قدرتمندانه در وزارت باقی ماند تا قتل‌های دیگری را تدارک ببیند. آقای هاشمی آیا می‌دانید چشمان فرزند خردسال فردی که در تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۲۶ ناپدید شد باید در اسرع وقت عمل گردد وی بینایی خود را از دست می‌دهد اما به دلیل مفقود شدن پدر هیچ بیمارستانی حاضر به عمل چشم فرزند نیست، آیا این است معنا و مفاد «تمیزترین دوره» (۱۳).

آقای هاشمی درباره فعالیت‌های اقتصادی وزارت اطلاعات می‌فرمایند: «اینها یک اجازه محدود داشتند مثل بقیه سرویس‌های جاسوسی دنیا پوشش‌هایی برای خودشان داشته باشند از قبیل شرکت‌ها. نمی‌توانستند به‌عنوان مأمور اطلاعات در همه‌جا باشند و در دنیا ارتباط‌هایی داشتند این هم برمی‌گردد به دوره جنگ. این در دوره من شروع نشده است. جنگ بود و ما می‌خواستیم از بازار سیاه کالا بخریم و با فروشندگان اسلحه ارتباط داشته باشیم. این هم کار هرکسی نبود یک شرکت معمولی نمی‌توانست این کارها را بکند ابزارهای اطلاعاتی لازم داشت. به همین دلیل به وزارت اطلاعات اجازه داده شد که از این پوشش‌ها استفاده کند.

اواخر دوره من معلوم شد که افراط کردند و مراجعات زیادی در همین باره شد... من شخصا پیگیری کردم و شروع کردم به کم کردن کار اقتصادی وزارت اطلاعات. ما بدون هیاهو کار کردیم. وقتی شروع کردیم به تدریج داشتیم این‌ها را کم می‌کردیم < (۱۴).

مدعای آقای هاشمی نه تنها نوری بر تاریکی‌ها نمی‌افکند بلکه بر تیره‌گی‌ها می‌افزاید: <حق‌الکشف> در چه زمانی وضع شد، مبارزه با ثروت‌های باد آورده در یک روزنامه خاص به کارگردانی عناصر اطلاعاتی از چه زمانی آغاز گشت، ایجاد پوشش برای فعالیت اطلاعاتی خارجی چه ربطی به مالکیت کارخانه‌های داخلی داشت، تأمین درآمد توسط وزارت خانه و نهادها و ارگان‌های مختلف در چه زمانی در پرتو چه سیاستی و با مجوز چه کسی آغاز شد، آیا فعالیت گسترده اقتصادی در پرتو رانت امنیتی افراط نام دارد، آیا استفاده از خط ترانزیت برای مسائل جنگ و خرید اسلحه صورت گرفت، آیا قتل فاطمه قائم مقامی و سیامک سنجری در رابطه با جنگ و خرید اسلحه قابل تحلیل است.

۵- نتیجه: عالیجناب سرخ‌پوش باید در دو زمینه مشخص به شهروندان پاسخ‌گو باشد:
اول- ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر که باعث به شهادت رسیدن صدها هزارتن از بهترین فرزندان این مرز و بوم شد هزاران معلول برجای گذارد و میلیاردها دلار خسارات برجای نهاد.
دوم- قتل‌های زنجیره‌ای دگراندیشان و دگرباشان.

پاورقی‌ها:

۱- رجوع شود به سخنان فائزه هاشمی آفتاب امروز ۲۲/۱۰/۷۸

۲- کاردینال ریشلیو (۱۵۸۵-۱۶۴۲) وزیر اعظم لویی سیزدهم (۱۶۰۱-۱۶۴۳) که پس از تبعید ماری دومدیسسی نایب‌السلطنه (۱۵۷۳-۱۶۴۲) امور دربار و اداره‌ا کشور فرانسه را در دست گرفت و تومار پروتستان‌ها را درهم پیچید دور از چشم دیگران و در محافل کاملاً سری از نصایح و رهنمودهای روحانی سیاسی به نام فرانسوا لوکلر دوترامبله (Francois Le Clerc du Tremblay) معروف به پدر ژوزف (۱۵۷۲-۱۶۳۸) بهره می‌گرفت. پدر ژوزف رایزن و محرم راز کاردینال ریشلیو صدراعظم فرانسه‌ا در پایه‌های حکومت او نقش بسیار مهمی داشت در فرانسه سده‌ا هفدهم به <عالیجناب خاکستری> (eminence grise) شهرت یافت. مردم و نجبگان ریشلیو را <عالیجناب سرخ‌پوش> خطاب می‌کردند. اصطلاح <عالیجناب خاکستری‌پوش> امروز در فرانسه و انگلیسی به کسی اطلاق می‌شود که قدرت واقعی به طور پنهان در دست اوست (رجوع کنید به کارل پوپر جامعه باز و دشمنان آن ترجمه عزت الله فولادوند ص ۱۲۴۹). برای زندگی و کارنامه عالیجناب سرخ‌پوش به فصل پانزدهم جلد هفتم تاریخ تمدن ویل دورانت مراجعه گردد.

۳- کلیه جملات آقای هاشمی مربوط به مصاحبه ایشان با روزنامه همشهری است - ۱۹ و ۲۰ دی ۱۳۷۸.

۴- جمهوری اسلامی، ۷۸/۱۰/۱ ص ۱۱.

۵- آریا، ۷۸/۱۰/۱.

۶- جمهوری اسلامی ۷۴/۱/۱۴ ص ۱۴.

۷- اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، خاطرات روز ۱۳/۱/۱۳۶۰ ص ۷۴.

۸- اطلاعات، ۱۳۶۹/۷/۱۹.

۹- مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۶/۵.

۱۰- پس از دوم خرداد ۷۶ آقای کروبی به منزل آقای ری شهری رفت تا وی را برای صدارت بر وزارت اطلاعات راضی نماید. آقای ری شهری به هیچ وجه حاضر به پذیرش چنان مسوولیتی نگردید. دلایل امتناع آقای ری شهری بسیار مهم است که در جای خود باید توسط آقای کروبی یا آقای ری شهری به اطلاع شهروندان برسد.

۱۱- همشهری، ۲۸/۱۰/۲۰ ص ۴. این سخنان آقای هاشمی سردبیران همشهری را چنان به وجد می آورد که شادمانه به آقای هاشمی می گویند: <این برای نخستین بار است که گفته می شود>. هاشمی <ما خیلی چیزها را نمی گوئیم. من اگر چیزهایی را بگویم خیلی مسیرها را عوض می کنند>. همشهری: <ما به نمایندگی از افکار عمومی آمده ایم. همین حرف ها را بشنویم>. هاشمی: <آخر شفافیت حد دارد ممکن است شفافیت آنقدر زیاد شود که چشم بعضی ها را بزند. اگر مسائل شفاف شود خیلی ها باید سکوت کنند>.

۱۲- اگر آقای هاشمی تمایل داشته باشند می توان این مسأله را کاملاً شفاف کرد تا معلوم گردد نور علنیت چشم چه کسی را می زند.

۱۳- رجوع شود به آفتاب امروز، ۲۸/۱۰/۶ ص ۱۰.

۱۴- همشهری، ۲۸/۱۰/۲۰.